



۲۰۱۷/۱۱/۱۰

ولی احمد زاهر

ستراتیژی جدید امریکا در افغانستان

در سایت ۸ صبح مضمونی را مطالعه کردم که یک تحلیل پر محتوا از تحول سیاست ممالک منطقه در رابطه با راه اندازی ستراتیژی جدید امریکا در افغانستان می کند.



سه شنبه ۱۶ عقرب ۱۳۹۶ هجری شمسی

در این اواخر از خود سؤال می کردم که پاکستان و ایران با روسیه و طالبان چی بازی می کنند و نزدیک شدن بین این قدرت ها چه ستراتیژی را پشت سر دارد. این مضمون تا حدی به این سؤال من روشنی می اندازد. فکر می کنم جالب است که بخوانید و تبصره کنید و نشر کنید.

هم سویی نانوشتۀ کرزی، طالبان، پاکستان و قدرت های منطقه ای

مانور ها و موضع گیری های اخیر حامد کرزی، ارگ را نگران کرده است. حامد کرزی این روزها در مخالفت با امریکا و حکومت وحدت ملی به صراحت سخن می گوید.

به اهتمام ولی احمد نوری

کرزی بسیار رک و بی پرده حکومت وحدت ملی و امریکا را به حمایت از داعش متهم می کند. کرزی با روسیه نیز نزدیک شده است و چیزهایی که رئیس جمهور سابق می گوید تفاوتی با موضع گیری های دولت روسیه ندارد. گویی اعلامیه ها و موضع گیری های مقام های روسیه در مورد افغانستان را کرزی می نویسد.

جالب این است که موضع گیری کرزی با موقف پاکستانی ها نیز هم آهنگ است. پاکستانی ها در جواب به اعلام ستراتیژی ترمپ، افزایش نقش هند در افغانستان و جنوب آسیا را نکوهش کردند. کرزی هم در یک مصاحبه با بی بی سی گفت امریکا هند را «وکیل و وصی» افغانستان انتخاب کرده است و نباید چنین کند.

علاوه بر این دیدگاه های کرزی با دیپلوماسی منطقه ای پاکستان نیز هم آهنگ است. چندی پیش جنرال اسد درانی، رئیس قبلی آی اس آی در مصاحبه ای با یک رسانه روسی گفت: طالبان برای مسکو خطرناک نیستند، بلکه حضور امریکا در افغانستان هم برای روسیه و هم برای پاکستان خطرناک است.

پاکستان حال همین فکر را در منطقه می فروشد و جالب این است که کرزی هم خواسته و ناخواسته در خدمت دیپلوماسی منطقه ای پاکستان قرار گرفته است. کرزی مثل جنرال درانی رئیس سابق آی اس آی ابراز عقیده می کند که حضور نظامی امریکا در افغانستان به نفع نیست. کرزی دید مثبت در مورد طالبان دارد. کرزی دیگر باورش را به روابط دولت با دولت از دست داده و از تماس های کشورهای منطقه با طالبان استقبال می کند. به بیان دیگر، تلاش ها و موضع گیری های کرزی سبب شده است که طالبان به نوعی مشروعیت منطقه ای دست یابند. روسیه، ایران و چین دیگر ابایی ندارند از این که بگویند با طالبان منافع مشترک دارند.

بعید نیست که در انتخابات آینده، کرزی به حمایت کشورهای منطقه یک تکت انتخاباتی بسازد. از آن جایی که نفوذ روسیه و ایران، بر طالبان بیشتر شده است، احتمال دارد که نامزد مورد حمایت کرزی، به نحوی از حمایت طالبان هم برخوردار شود. هیچ بعید نیست که در انتخابات بعدی ریاست جمهوری تکت مورد حمایت کرزی، پشتی بانی پاکستان، ایران، روسیه، چین و طالبان را داشته باشد.



فکری که پاکستان در منطقه می فروشد این است که طالبان متحد اسلام آباد اند، اما جنرال های راولپندی دیگر در پی «دولت دوست» در کابل نیستند، بلکه

می خواهند یک دولت توافقی که تمام گروه های سیاسی افغانستان به شمول طالبان در آن حضور داشته باشند، در افغانستان شکل بگیرد. جنرال اسد درانی رئیس پیشین آی اس آی که بخشی از جامعه ستراتیژیک پاکستان است، این فکر را با آب و تاب زیاد در رسانه های روسی، تبلیغ می کند.

جنرال درانی و مجموع جامعه ستراتیژیک پاکستان، به کشورهای منطقه از جمله روسیه می گویند که طالبان و جنگ جویان چندملیتی متحد این گروه، به روسیه، ایران، چین و دیگر کشورهای منطقه خطر نیستند، بلکه حضور امریکا

در افغانستان برای این کشورها خطرناک است. جامعه ستراتیژیک پاکستان تبلیغ می کند که امریکا در افغانستان و منطقه ثبات نمی خواهد. آنان می گویند که امریکا بحران، بی نظمی و حضور درازمدت نظامی در منطقه می خواهد. رسانه‌های مهم پاکستان مثل «دان»، «آبزرور» و «نیوز» به اردو و حکومت این کشور مشورت می دهند که امریکا اراده ای برای پایان جنگ افغانستان ندارد و می خواهد در آن جا حضور داشته باشد. این رسانه ها به دستگاه دیپلوماسی پاکستان مشورت می دهند که این موضوع را باید با کشورهای منطقه مطرح کند و در هم آهنگی با این کشورها حضور امریکا در افغانستان را مدیریت کند.

جامعه ستراتیژیک پاکستان به کشورهای منطقه می گوید که دولت افغانستان و مجموع جریان پس از بن، تابع مطلق امریکا است و نمی خواهد/نمی تواند متحد کشورهای منطقه و حافظ منافع مشروع آنان باشد. جنرال درانی در مصاحبه با رسانه‌های روسی بسیار به صراحت به مخاطبان روسی اش گفت که به دلیل این که دولت افغانستان تابع مطلق امریکا است، تقویت این دولت و تضعیف طالبان به لحاظ ستراتیژیک سودی برای پاکستان، روسیه، ایران و چین ندارد. این جنرال پاکستانی می گوید که در عوض، طالبان گروهی است که می توان به وسیله آن، امریکا را از افغانستان بیرون کرد.

کابل و امریکا تأیید کرده‌اند که روسیه به طالبان سلاح می دهد. گزارش‌های دقیقی از حمایت فعال و مستقیم نیروی قدس ایران از طالبان منتشر شده است. حمایت ستراتیژیک اردوی پاکستان از طالبان که جزو مسلمات است و کسی نیست که آن را قبول نداشته باشد. چین هم به اثر تشویق‌های پاکستان با طالبان تماس دارد. این چیزی است که مقام‌های چینی آن را تأیید کرده اند.

این نشان می دهد که یک ائتلاف نانوشته و اعلام نشده بر ضد اتحاد ستراتیژیک امریکا و افغانستان در منطقه شکل گرفته است. این ائتلاف، همان طوری که در جبهه جنگ فعال است، بعید نیست که در آینده در سیاست افغانستان نیز فعال شود و از یک تکت انتخاباتی حمایت کند. معمار این تکت انتخاباتی به احتمال قوی حامد کرزی خواهد بود. کرزی اگر در برگزاری جرگه عنعنه ای موفق نشود، بعید نیست که روی تشکیل یک تکت انتخاباتی همسو با روسیه، ایران، چین و طالبان، به صورت جدی کار کند.

قبول بازی دموکراتیک توسط کشورهای منطقه و وارد شدن آنان در بازی انتخابات و دموکراسی افغانستان به سود کشور است. تقویت دموکراسی به سود افغانستان است. تنها دموکراسی می تواند برای حل منازعه قدرت در افغانستان، مفید واقع شود، اما نگاه منطقه به دموکراسی افغانستان ستراتیژیک نیست، دموکراسی برای ائتلاف منطقه ای ضد اتحاد ستراتیژیک کابل و امریکا، ارزش ابزاری دارد و بس.

دموکراسی کنونی افغانستان، محصول حضور جامعه جهانی و امریکا است. امریکا و جامعه جهانی، در ۱۶ سال گذشته در کنار مبارزه با طالبان و تروریسم، برای افغانستان دموکراسی سازی کردند. امریکا و جامعه جهانی، انتخابات‌های افغانستان را تمویل کردند، رسانه های آزاد کابل را حمایت کردند و جریان های سیاسی افغانستان را قناعت دادند تا دموکراسی را به عنوان روش منطقی و قابل قبول حل منازعه قدرت بپذیرند.

ائتلاف منطقه ای ضد اتحاد ستراتیژیک امریکا و کابل، از دموکراسی که محصول حضور جامعه جهانی در افغانستان است، سوء استفاده خواهد کرد، تا به اهدافش برسد. وقتی این هدف آنان برآورده شد، به عمر دموکراسی افغانستان پایان خواهند داد. اگر روابط امریکا و روسیه تا یک سال آینده بهبود یابد، سیر تحول اوضاع در منطقه تغییر خواهد کرد. متأسفانه بسیاری از الیت سیاسی افغانستان به رغم چهل سال جنگ و خون ریزی تا حال یاد نگرفته اند که نیروی نیابتی کشورهای منطقه نشوند.

واقعیتی که کشورهای منطقه فراموش کرده اند این است که طالبان یک جریان ایدیولوژیک است. طالبان امیرالمومنین دارند، خودشان را امارت می خوانند و جنگ جویان خارجی به رهبر این گروه بیعت دارند. چنین نیرویی دوست هیچ کشوری نخواهد شد.

پایان

